

پرسش ۹۵: چگونه ابراهیم زنده کردن مردگان را درخواست می کند؟

سؤال / ۹۵: هل يَلِيْقُ بِإِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) أَنْ يَطْلُبَ أَحْيَاءَ الْمَوْتَى، قَالَ تَعَالَى: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) ([364])؟

آیا شایسته بود ابراهیم (علیه السلام) زنده کردن مردگان را درخواست کند. حق تعالی می فرماید: (و آنگاه که ابراهیم گفت: ای پروردگار من! به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می سازی. گفت: آیا ایمان نداری؟ گفت: بلی، ولكن می خواهم دلم آرام گیرد. گفت: چهار پرنده برگیر و گوشت آنها را به هم بیامیز، و هر جزئی از آنها را بر کوهی بپزه؛ سپس آنها را فراخوان، شتابان نزد تو می آیند، و بدان که خداوند پیروزمند و حکیم است). ([365])

الجواب: طلب إبراهيم (عليه السلام) (أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى) بي، ولم يكن طلب إبراهيم (عليه السلام) أن يرى كيف يحيي الله الموتى مطلقاً، وفي آخر الآية: (ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا)، أي أنت يا إبراهيم ادعهن، أي إن المنفذ المباشر للأحياء هو إبراهيم (عليه السلام)، وكان هذا الطلب من إبراهيم (عليه السلام)؛ لأن الأنبياء والأولياء يرون أنفسهم مذنبين ومقصرين ولا يرون أنفسهم أهلاً أن يكونوا حجة الله على خلقه ومحل فيضه وعطائه وكرمه، وفي الرواية عنهم (عليهم السلام): أن إبراهيم (عليه السلام) طلب هذا الطلب ليطمئن أنه خليل الله ([366]).

پاسخ: درخواست ابراهیم (علیه السلام) این بود که (أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى) (بی) (به من بنمای که مردگان را چگونه (توسط من) زنده می سازی) و درخواست ابراهیم (علیه السلام) این نبود که ببیند مطلقاً خداوند چگونه مردگان را زنده می کند. در انتهای آیه آمده است: (سپس آنها را فراخوان، شتابان نزد تو می آیند)؛ یعنی تو ای ابراهیم آنها را فرا بخوان، یعنی مجری مستقیم برای زنده کردن، خود ابراهیم می باشد و این

درخواست ابراهیم از آن جهت بود که انبیا و اولیا خود را گناهکار و تقصیرکار می‌بینند و خویشان را برای اینکه حجت خدا بر خلقش و محل فیض و عطا و کرم او گردند شایسته نمی‌دانند، و در روایتی از ائمه (علیه السلام) آمده است که درخواست ابراهیم (علیه السلام) برای این بود که مطمئن شود او خلیل الله می‌باشد. ([367])



[364] - البقرة : 260.

[365] - بقره: 260.

[366] - عن علي بن محمد بن الجهم، قال: حضرت مجلس المأمون وعنده الرضا علي بن موسى عليهما السلام، فقال له المأمون: يا ابن رسول الله أليس من قولك أن الأنبياء معصومون؟ قال: بلى، فسأله عن آيات من القرآن، فكان فيما سأله أن قال له: فأخبرني عن قول إبراهيم: (رب أرني كيف تحيي الموتى قال أو لم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئن قلبي)؟ قال الرضا (عليه السلام): إن الله تبارك وتعالى كان أوحى إلى إبراهيم (عليه السلام) أني متخذ من عبادي خليلاً إن سألني إحياء الموتى أجبتة فوقع في نفس إبراهيم (عليه السلام) أنه ذلك الخليل، فقال: رب أرني كيف تحيي الموتى، قال: أو لم تؤمن؟ قال: بلى ولكن ليطمئن قلبي على الخلة... التوحيد للشيخ الصدوق: ص 132.

[367] - از علی بن محمد بن جهم روایت شده است: مجلس مأمون برپا شد و علی بن موسی الرضا ع نزد او بود. مأمون به او گفت: ای فرزند رسول خدا! آیا این گفته‌ی شما نیست که پیامبران معصوم می‌باشند؟ فرمود: (آری). سپس از آیاتی از قرآن کریم سوال کرد و در این پرسش‌ها به او گفت: از این سخن ابراهیم (ای پروردگار من، به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می‌سازی. گفت: آیا ایمان نداری؟ گفت: بلی، ولكن می‌خواهم دلم آرام گیرد) مرا باخبر نما. امام رضا ع فرمود: (خداوند تبارک و تعالی به ابراهیم ع وحی فرموده بود من از میان بندگانم دوستی برگزیده‌ام که اگر از من زنده کردن مردگان را درخواست کند، اجابتش گویم. در قلب ابراهیم ع چنین افتاد که او همان خلیل (دوست) می‌باشد. پس گفت: پروردگار من! به من بنمای که چگونه مردگان را زنده می‌کنی. فرمود: آیا ایمان نداری؟ گفت: آری ولی برای اینکه دلم بر این دوستی آرام گیرد....). توحيد شيخ صدوق: ص 132.